

استاد دکتر حسین بیژن پیشکسوت انگل شناسی

در این بخش از با پیشکسوتان، نگاهی بر زندگی دکتر بیژن انداختیم. این متن شامل گفتگویی خواندنی با این استاد ارجمند است که در سال های اخیر تهیه شده و برای آگاهی بیشتر از زندگی و فعالیت ها و خدمات ارزنده این استاد، پیشکش خوانندگان گرامی می شود.

بود (علی اصغر خان حکمت) همه تابلوهای بیمارستان ها را برداشتند که روی آنها نوشته شده بود وزارت بهداشتی. آن وقت نوشتند دانشکده پزشکی دانشگاه تهران. بیمارستان های سینا، روزبه، فارابی و وزیر را با بودجه مربوط به آنها منتقل کردند. در این موقع بود که اساتیدی چون دکتر اقبال، دکتر قریب، پرفسور عدل، دکتر آشتیانی، مصطفی حبیبی و عدهای دیگر را که از افراد برجسته درس خوانده در فرانسه بودند، دعوت کردند و آنها به عضویت هیأت علمی دانشگاه درآمدند. اکثر این اساتید، افراد معمولی نبودند، در واقع گل سرسبد دانشگاه های فرانسه بودند. پس از آن رشته ها و طرز تدریس عوض شد. استادان اغلب جوان بودند و طرز برخوردشان جدید بود. دانشکده پزشکی از آن شکل قدیمی به شکل جدید و سبک فرانسوی درآمد. وقتی این تغییرات اولیه اعمال شد، من سال چهارم پزشکی بودم.

❖ در آن زمان استاد درس

انگل شناسی شما چه کسی بود؟

دکتر ناصر انصاری و دکتر اسدالله شیبانی. انگل شناسی به صورت مجموعه بود نه درس تک تک. وقتی پرفسور ابرلن آمد فقط دکتر انصاری را نگه داشت که صاحب کرسی انگل شناسی

در آورند. تصمیم بر این شد که اعتصاب کنیم. به این ترتیب اولین اعتصاب در ایران از سوی دانشجویان اتفاق افتاد و دانشکده پزشکی اعتصاب کرد. آن زمان رئیس بهداری ارتش، آتابای بود. تعداد زیادی از اعتصاب کنندگان دستگیر و به زندان انداخته شدند. عدهای از جمله لقمان الملک واعلم الملک و لقمان الدوله و امیراعلم که اطباء دربار هم بودند، باعث آزادی زندانی ها شدند. بالاخره همه را آزاد کردند و من هم پس از ۲۴ ساعت حبس از زندان شهربانی، آزاد شدم. در آن زمان روابط دوستی ایران و دولت فرانسه بهم خورده بود و قطع رابطه شد. در ازای این تیرگی روابط، امیراعلم از شاه وقت خواست که چیزی از دولت فرانسه بخواهد. به این ترتیب که دولت فرانسه یک نفر را از دانشگاه پاریس به ایران بفرستد تا به ایران بیاید و به دانشگاه تهران سروسامانی دهد. به این ترتیب دولت فرانسه پرفسور ابرلن را به ایران فرستاد تا دانشکده پزشکی ایران را درست کند. آن زمان من دانشجو بودم ولی از جریان ها، با خبر می شدم. ابرلن به ایران آمد و از بیمارستان ها و ساختمان دانشکده بازدید کرد و همه اوضاع را بررسی کرد و گزارشی را آماده کرد. سرانجام با کمک وزیر فرهنگ وقت که رئیس دانشگاه هم

❖ استاد به عنوان اولین سؤال بفرمایید، چه شد که وارد رشته پزشکی شدید؟ در خانواده ما چندان طیب وجود نداشت و کسی مرا ترغیب به تحصیل در رشته پزشکی نکرد. آن زمان افرادی که می خواستند وارد رشته پزشکی در نهاد دانشگاه موجود (یعنی دانشگاه تهران) شوند، زیاد نبود. چون تعداد دبیرستان ها محدود بود. آن موقع هم رشته پزشکی گل سرسبد تحصیلات عالی در کشور بود. زمان من ۸۰-۷۰ نفر در آزمون مسابقه ورودی شرکت کردند و ۴۰ نفر وارد دانشکده پزشکی شدیم.

❖ حضرتعالی سه سال پس از

تأسیس دانشکده پزشکی، وارد آن شدید. وضعیت دانشکده آن زمان چگونه بود؟ آن زمان دانشکده پزشکی همان فرم قدیم خود را داشت. (مثل مدرسه طب، با همان استادان قدیمی). ولی عواملی که ذکر خواهم کرد باعث تغییرات اساسی دانشکده و کیفیت آن شد.

وقتی که من سال سوم پزشکی بودم (سال ۱۳۱۸-۱۳۱۷)، ارتش می خواست اطباء را به خدمت بگیرد و آنها هم نمی پذیرفتند. به این دلیل قرار شده بود نیمی از پزشکانی را که وارد خدمت وظیفه سربازی شده بودند، به خدمت ارتش

دانشکده پزشکی آن روز شد. بعد از چند سالی دکتر انصاری به سازمان بهداشت جهانی رفت. حقیقتاً باید گفت که رشته انگل شناسی را در دانشگاه تهران دکتر انصاری پایه گذاری کرد.

❖ چطور شد که به رشته انگل شناسی علاقمند شدید؟

در کشورهای خارجی مسیر مشخص است و شخص وارد یک رشته تحصیلی می شود و پیش می رود. ولی در ایران این طور نیست. من حقیقتاً علاقه قبلی به این رشته نداشتم. وقتی آمدم، علاقه پیدا کردم. در ایران این طوری است که مثلاً یک دانشجو وارد رشته‌ای مثل پزشکی می شود و بعد از اورولوژی یا جراحی یا... سر در می آورد و معمولاً برنامه مشخص از قبل ندارد.

❖ وقتی در گروه انگل شناسی دانشکده وارد شدید، وضع این گروه چگونه بود؟

در آن زمان گروه انگل شناسی دانشکده پزشکی فقط وظیفه تدریس این رشته را به دانشجویان پزشکی برعهده داشت و نه کار دیگری. البته برخی رشته‌های دیگر هم کم و بیش همین طور بودند. در آن زمان خدمات بهداشتی در ایران یا نبود یا فقط حرفش بود. در شمال کشور مالاریا وجود داشت و تلفات زیادی هم می داد. حتی در تهران هم مالاریا وجود داشت. کرسی انگل شناسی در آن زمان نقش رابط تشخیص بیماران مشکوک به مالاریا را بر عهده داشت. این بیماران را از بیمارستان های دانشکده به گروه ما می فرستادند، لام خون محیطی می گرفتیم و مالاریا و نوع آن را تشخیص می دادیم. کار گروه و کرسی انگل شناسی فقط تدریس این رشته برای دانشجویان بود که شامل دو قسمت نظری و عملی بود. حقیقتاً کار تحقیقاتی فقط منحصر به رابطه با بیمارستان های دانشکده پزشکی بود. (برای تشخیص بیماری ها) تا سال

۱۳۲۵-۱۳۲۴ وضع به همین منوال بود. از این به بعد بود که کم کم شرایط تغییر کرد و تحقیقات اسمی و صورتی پیدا کرد و کارهایی در آن انجام شد. البته باز هم خیلی وسیع نبود. بودجه تحقیقاتی وجود نداشت و کادر تحقیقات هم زیاد نبود.

در سال ۱۳۲۵ دکتر مفیدی رییس کرسی شد و اعضای گروه انگل شناسی، از جمله مرحوم دکتر مثقالی، مرحوم دکتر محسنین، بنده، دکتر ققیه و دکتر حاجیان (که این دو در خارج از کشور هستند.) بر آن شدیم تا تغییراتی در آن وضع بدیم. برای تحقیق روی مالاریا مطالعاتی لازم بود. از این موقع مطالعات و تحقیقات به فکر زعمای قوم آمد. و خلاصه تیم هایی از دانشجویان دانشکده پزشکی و اعضای هیأت علمی تشکیل شد تا مطالعات و تحقیقات روی مالاریا انجام شود. در همین هنگام مبارزه با مالاریا هم بر مبنای همین مطالعات و تحقیقات شروع شد. از دانشکده پزشکی دانشجویانی را به صورت فصلی استخدام می کردیم و با سرپرست هایی به مناطق مختلف می فرستادیم تا نمونه خون افراد را بگیرند و در تحقیق مشارکت کنند که آموزش عملی هم برای آنها محسوب می شد و حق الزحمه ای هم دریافت می کردند. این موضوع مربوط به پنجاه و اندی سال پیش است. مخارج و امکانات را وزارت بهداشتی وقت در اختیار ما قرار می داد. کم کم در مورد بیماری های انگلی دیگر بومی ایران هم کار مطالعات را شروع کردیم که نتیجه بخش بود و برخی بیماری ها شناخته شد. یکی از آنها بیماری پیوک بود که آن موقع در جنوب در لار و جهرم، شایع بود. بیماری های دیگری هم بود و ما هم از هزینه ای که بابت مالاریا به ما می دادند، استفاده می کردیم و روی این بیماری ها هم مطالعه می کردیم. این جریان چند سال طول کشید. به فرمان آمد که انستیتوی مالاریالوژی را زیر نظر دانشکده پزشکی

تأسیس کنیم. بعد از مدتی از آنجا که در این انستیتو روی بیماری های مختلفی کار می کردیم، به انستیتو تحقیقات بهداشتی تغییر نام داد که هنوز هم هست. مطالعات و تحقیقات جمع بندی، دسته بندی و در نهایت ارائه می شد و عده زیادی از زعمای قوم شاگردان آن زمان انستیتوی تحقیقات بهداشتی هستند. گرفتاری زیادی هم وجود داشت. امکانات در خارج تهران یا نبود یا بسیار کم بود. مثلاً از تهران که به قصد خوزستان می رفتیم، شب جایی برای اقامت نداشتیم. من شب های زیادی را در طولیله هایی در جنوب کشور سر کردم. الان که فکر می کنم تعجب می کنم که من چگونه در آن شرایط سخت در مناطق بد آب و هوا بدون امکانات، مقاومت کردم و ماندم. برای بیماری هایی مانند مالاریا و ریشه کنی آن ها سازمان بهداشت جهانی هم به ما کمک می کرد. در این هنگام انستیتو مطالعات و تحقیقات بهداشتی وسعت پیدا کرده بود و ما هم شناخته شده بودیم و کم کم بحث تحقیقات در پزشکی به وجود آمد. آنجا بود که مطالعات و تحقیقات را لازمه علوم و گسترش آن در ایران دانستند و به سایر رشته ها نیز تعمیم یافت. در جنوب ایران بیماری دیگری بود به نام بیلارزیوز (بول الدم) که در سال های ۱۳۳۶ - ۱۳۳۱ روی آن مطالعاتی انجام شد. این بیماری در خرمشهر، دزفول و شوشتر شایع بود و آخرین حد و مرز آن را در ایران در مرز ایران با عراق، من پیدا کردم. روستایی بود به نام "بیدرویه" که بیلارزیوز در آن وجود داشت. مطالعه بر روی بیولوژی هر یک از بیماری ها چند سالی طول کشید. در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۱ مبارزه علیه بیلارزیوز را شروع کردیم. البته من باید از دکتر ارفع و دکتر صهبا که در ایران نیستند نام ببرم که خیلی زحمت کشیدند. ایستگاهی در خوزستان تشکیل دادیم. مرکز آن در دزفول بود که شعبه ای در اهواز و خرمشهر داشت

به کمک سازمان بهداشت جهانی که در آن زمان ما را به خوبی می شناخت و با همکاری وزارت بهداشتی و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ما طرح مبارزه با بیلازیوز را در ایران پیاده کردیم. من مسؤول این طرح شدم. این طرح چند سال طول کشید. سازمان بهداشت جهانی مشاورانی به ایران می فرستاد و وسایل می داد. باگسترش شاخه های مختلف انستیتو تحقیقات بهداشتی به دانشکده بهداشت رسیدیم. انستیتو مالاریالوژی در حدود سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶ بود که تاسیس شد. مؤسسان آن دکتر مفیدی، دکتر حاجیان، دکتر فقیه، مرحوم دکتر محسنین و مرحوم دکتر مثقالی و بنده بودیم که در سال ۳۵-۳۶ به انستیتو تحقیقات بهداشتی تبدیل شد. ما خودمان میل و رغبت به انجام تحقیقات داشتیم و از همان دوران دستیاری در رشته انگل شناسی، تقریباً بدون هیچ راهنما به این سمت روی آوردیم در واقع پیش-کسوتی وجود نداشت و حقیقتاً ما شروع کردیم. مقداری هم سازمان بهداشت جهانی به ما کمک می کرد چون آنهایی که به ایران آمده بودند ما را شناختند. در تمام مدت تحقیقات و مطالعات انگل شناسی توامان کار، تدریس به دانشجویان پزشکی را انجام می دادیم. چرا که هم دانشکده پزشکی و هم دانشجویان این را از ما می خواستند. بین آن بندها ما هم خدایی شده بودیم. (باخنده)

تا ۱۳۴۸ که من در دانشکده بودم همه چیز روی خط افتاده بود. مراحل اجرایی کارها را وزارت بهداشتی زیر نظر ما انجام می داد. حقیقتاً کار صحیح انجام شد ولی طول کشید چون نفر کم داشتیم.

❖ **آمار و روش تحقیق چگونه وارد نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور شد؟**

در واقع همان اشخاصی که نام بردم و آن موقع شروع به کارهای تحقیقاتی کردند به خاطر کارشان مجبور بودند که آمار و

روش تحقیق را هم در کارشان لحاظ کنند. در واقع همه چیز از مالاریا شروع شد. تحقیقات قسمت های دیگر روی همین پایه بنا گذاشته شد و پیشرفت کرد.

❖ **چه کسانی مسئولیت رشته آمار حیاتی را به عهده داشتند؟**

دکتر نهایتپایان بود و دکتر محمد. در واقع علم تحقیقات تکه تکه وارد کشور شد. چون خود رشته استاد داشت ولی رشته های وابسته به آن استاد نداشت.

❖ **چگونه پس از ۳۰ سال تلاش**

طاقة فرسا، پس از بازنشستگی به دانشکده ملی رفتید؟

در آن موقع پروفیسور پویان و پروفیسور صفویان رئیس دانشگاه و دانشکده پزشکی ملی بودند به اینجا آمدند و از من خواستند تا گروه انگل شناسی آنجا را تاسیس کنیم. با آنکه خسته بودم، قبول کردم تا دو سال هم در آن کار به آنها کمک کنم. این دو سال بیست سال طول کشید تا انگل شناسی آنجا راه افتاد.

در مدت خدمت در دانشکده ملی یکی از دلایل ماندن من در آنجا طرح نوشتن کتاب انگل شناسی بود که پرفیسور اقبالی هم در نوشتن این کتاب به من کمک کردند و کتاب انگل شناسی پزشکی برای دانشجویان پزشکی نوشته شد.

❖ **این طور که از جوانب امر برمیآید**

شما هیچوقت دنبال مقام و منصب نبودید؟

خیر، آنجا طوری بود که همه به فکر کارشان بودند و کسی به فکر مقام و منصب نبود.

❖ **آیا لازم نبود برای دسترسی بهتر به**

امکانات کسی از بین شما پستی یا مقامی داشته باشد؟

نه ما احتیاج نداشتیم. چون آنها را برای ما فراهم می کردند و در واقع هرچه می خواستیم، می دادند. وزیر بهداشتی آن

زمان ناچار بود که با ما همکاری کند. بودجه ای به ما می دادند که ما خرج تحقیقات می کردیم. چون دانشکده یک ریال پول نمی داد. فقط کادر و نیروی انسانی داشت.

❖ **به نظر می رسد شما گرایش به**

مادیات هم نداشته اید؟

گرایش مادی زیادی نداشتیم. ولی الان هرچه لازم است، داریم. الان از وضعیت فعالیت ها و سوابق خودم راضی و خشنودم و برای همین خوشحالم.

❖ **فرموده بودید که تاکنون از نظر**

علمی خود را روزآمد نگه داشته بودید؛

چگونه چنین کاری ممکن شده است؟

خب البته این رویه برای ما ارث گذاشته شده است و ما مجبوریم خود را از نظر علمی به روز نگه داریم. این موضوع در همه رشته هایی بود که مربوط به کارم بود، آنها که مربوط به کارم نبود فقط در حد اطلاع داشتن مطالعه می کردم. یعنی بیشتر روی انگل های گرمی و تک یاخته ای ها و بیلازیوز متمرکز بودم. البته بیشتر علاقه شخصی بود و جنبه دانشگاهی نداشت.

من هر وقت سر کلاس می رفتم، پر بود. نه اینکه همه از درس انگل شناسی خوششان بیاید، بلکه می آمدند که حرفهای مرا یا امثال مرا گوش کنند. اینها هم به ما انگیزه می داد که همیشه خودمان را روزآمد نگهداریم و مسائل جدید را به دانشجویان انتقال دهیم. این بود که دانشجویان هم حرف مرا می پذیرفتند و با من همکاری می کردند. مثلاً وقتی از کسی که اهل ساری بود، کاری می خواستیم در شهرستان انجام دهد. انجام می داد و ما هم کمکش می کردیم درست است که ما حق الزحمه به آنها می دادیم، ولی اینها به پول اهمیت نمی دادند.

❖ چه توصیه ای برای دانشجویان پزشکی دارید؟

توصیه من به دانشجویان پزشکی این است که روزی که فارغ التحصیل می شوید تازه اول پزشکی است. پزشکی به سرعت ترقی می کند و باید زیاد مطالعه کنند. از همان روزی که فارغ التحصیل می شوند. البته این کار، کار همه نیست. دولت هم خیلی کمک نمی کند و امکانات هم کافی نیست. خرج سرسام آور آن هم از هرکس بر نمی آید. نفس من از جای گرم در نمی آید اگر بگویم همه این امکانات را باید دولت فراهم کند. چرا که من فکر می کنم اگر این کار را انجام ندهند، همه چیز را رفته رفته از دست می دهند و آن وقت خدای ناکرده باید پرفسور برلن دیگری بیاورند و از آغاز شروع کنند.

❖ در مورد وضعیت امروز آموزش

پزشکی چه نظری دارید؟

می توانم بگویم که تحصیلات پزشکی الان در ایران صحیح نیست. بنابراین

نتیجه ای که حاصل می شود آن چیزی نیست که به درد بخورد. الان وزارت بهداشت اداره علمی دانشگاه را برعهده دارد. اما وزارت بهداشت غیر از دانشکده بهداشت است. به نظر من رئیس دانشکده یا دانشگاه پزشکی را نباید وزارت بهداشت تعیین کند. این کار اشتباهی است. وزارت بهداشت باید کار بهداشتی بکند که الان حقیقتاً نمی کند. زمانی که ما بودیم وزارت بهداشت این کار را می کرد. الان مثلاً برای شناخت اپیدمیولوژی مالاریا تشکیلاتی نداریم ولی مالاریا همچنان داریم. دانش پزشکی هنر است و علمی مثل ریاضی نیست و این هنر کسی را با سلیقه شخصی می خواهد. بعضی اشخاص که طبیب می شوند و الان هم استادند، به پزشکی به عنوان یک کالا نگاه کرده اند و خواسته اند معامله کنند. تعداد زیادی دانشجو در رشته های مختلف تربیت شده اند که جایی برایشان وجود ندارد و بیکارند. در واقع این ها را بی خود مهیا کرده اند. چند سال پیش گفتند که باید طبیب را به صورت

انبوه تربیت کنیم. خیال می کردند برنج یا زولبیاست که باید انبوه ساخته شود. این موضوع را براساس الگوهایی تهیه کردند که مثلاً پزشک باید فلان تعداد برسد که به استانداردهای بهداشت جهانی برسیم و... بیشتر اینها اصلاً با اصول بهداشت هم آشنا نیستند. حتی آن پزشکی که تربیت می شود هم نمی داند. من دانشجوی پزشکی می شناسم که قسم خورد، وقتی از دانشکده فارغ التحصیل می شد تا آن روز یک آمپول نرزه بود. این طبیبی است که وارد کار می شود. این وضع نمی تواند طول بکشد.

❖ با این وصف چه سفارشی به

پزشکان امروز دارید؟

فقط می گویم:

تو نیکی میکنی و در دجله انداز
که ایزد در بیابانت دهد باز
پزشکان فقط به این فکر کنند.

منبع:

آرشیو موزه ملی علوم پزشکی

فرم اشتراک ماهنامه **نسخه پزشکی** ۱۳۹۶

نام و نام خانوادگی: رشته/تخصص: کد ملی:

نام محل کار: مسئولیت:

نشانی:

کدپستی: تلفن: فاکس:

موبایل: ایمیل:

❖ تکمیل تمام موارد فوق الزامی است ❖

اشتراک ۶ ماهه (با پست عادی) ۵۰۰,۰۰۰ ریال

اشتراک ۶ ماهه (با پست سفارشی) ۶۰۰,۰۰۰ ریال

اشتراک یکساله (با پست عادی) ۱۰۰۰,۰۰۰ ریال

اشتراک یکساله (با پست سفارشی) ۱,۲۰۰,۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک یکساله خارج از کشور با پست سفارشی ۳۶۰ دلار است.

لطفاً برای شروع یا تمدید اشتراک، رسید فیش واریزی را همراه با فرم تکمیل شده فوق به شماره زیر فاکس نمایید.

کارت بانک پاسارگاد به شماره کارت ۵۰۲۲-۲۹۱۰-۴۰۷۲-۹۱۵۲ و شماره حساب ۱-۱۲۰۸۴۲۳۴-۸۰۰۰-۲۰۶ به نام آقای محمود اصلانی

تلفن: ۰۹۱۲۷۳۳۳۴۰۷

نمبر: ۸۹۷۷۶۷۶۹

ایمیل: matashkhis@gmail.com